تاریخ ولادت و وفات نظامی گنجوی

زنجانی، برات

معروف است که هنگام قشلاق رفتن پادشاهان عصر حافظ،حافظ هم همراه آنها به‏ ابرقو می‏آمده و غزل دلم از وحشت زندان سکندر بگرفت را در همین خانه سروده و سنگی که شعر معروف را برای پسرش گفته و روی آن نقش کرده بودند در ابرقو دیده‏اند و آقای رجائی هم آن را خوانده.

حسن کارگر(ابرقو)

\*\*\*

تاریخ ولادت و وفات نظامی گنجوی

تذکره‏نویسان و محققان سال ولادت نظامی را مختلف نوشته‏اند از آنجمله:

1-ریپکا و برتلس و باخر ولادت شاعر را سال 535 هجری دانسته‏اند.

2-مجتبی مینوی 535 هجری.

3-وحید دستگردی از 533 تا 540 هجری.

4-مینورسکی(541 یا 551 هجری.

5-داراب خان(مترجم مخزن الاسرار به انگلیسی)540 هجری.

6-دکتر محمد معین 542 یا 543 هجری.

7-دکتر ذبیح الله صفا پیش از 530 و یا نزدیک به 530 هجری.

8-دکتر شهابی بین 530 و 540 هجری.

9-میر عباس باقرزاده‏5201 هجری.

اما دلیلی که ما را بدانستن تاریخ تولد او نزدیک می‏کند مطلبی است که در اقبالنامه(قسمت دوم اسکندرنامه)آمده است،و آن وقوع زلزلهء شدیدی است که در گنجه اتفاق افتاده و تلفات و خرابی سنگین ببار آورد است،و چندین سال بعد از آن ممدوح نظامی نصرة الدین ابو بکر بن محمد بن ایلدگز معروف به بیشکین به آبادی‏ آن دیار و ترمیم خرابیها قیام کرده است،بیان و لحن سخن نظامی در این واقعه مانند بیان کسی است که زلزله را بچشم دیده است.و چنین تعریف می‏کند:

به احیای او زنده شد ملک دهر گواه من آنکس که او راست بهر از آن زلزله کاسمان را درید شد آن شهرها در زمین ناپدید چنان لرزه افتاد بر کوه و دشت‏ که گرد از گریبان گردون گذشت‏ زمین گشته چون آسمان بیقرار معلق‏زن از بازی روزگار برآمد یکی صدمه از نفخ صور که ماهی شد از کوههء گاو دور فلک را سلاسل ز هم برگسست‏ زمین را مفاصل ز هم درشکست

(گنجهء گنجوی ص 195)

در اعضای خاک آب را بسته کرد ز بس کوفتن کوه را خسته کرد رخ یوسفان را برآورد میل‏ در مصریان را بر اندود نیل‏ زمین را چنان در هم افشرد سخت‏ کز افسردگی کوه شد لخت‏لخت

(1)-مجلهء ارمغان،سال 6،صفحهء 192.

نه یک رشته را مهره بر کار ماند نه یک مهره در هیچ دیوار ماند نمانه یکی دیده بر جای خویش‏ جهان در جهان سرمه ز اندازه بیش‏ ز بس گنج کان روز بر باد رفت‏ شب شنبه را گنجه از یاد رفت‏ ز چندان زن و مرد و برنا و پیر برون نامد آوازهء جز نفیر چو ماند این یکی رشته گوهر بجای‏ دگر ره شد آن رشته گوهرگرای‏ به اقبال این گوهر گوهری‏ از آ دایره دور شد داوری‏ بکم مدت آن مرز ویرانه‏بوم‏ بفر وی آبادتر شد ز روم

(اقبالنامه چاپ شوروی ص 20)

در دو بیت اول می‏خواهد بگوید:«من دربارهء زلزلهء گنجه اغراق نمی‏گویم کسانی‏ که از آن زلزله بهره دارند یعنی آنرا دیده و از خرابی سهمی داشته‏اند و اکنون‏ زنده‏اند گواه من هستند».

این زلزله در سال 534 هجری اتفاق افتاد و در شهر گنجه از هرجای دیگر شدیدتر بوده،و آنقدر مردم را به خاک هلاک افکنده که از زیادی کشته‏شدگان،شمردن‏ آنها مقدور نبوده است.و گفته‏اند قریب دویست و سی هزار تن تلف شده‏اند.

(الکامل ابن اثیر وقایع سال 534)

باین دلیل نظامی سالها پیش از 534 هجری(سال وقوع زلزله)بدنیا آمده و در 534 هـ.زلزله را مشاهده کرده و روز واقعه(شب شنبه)را نیز بیاد داشته است. بنابراین همهء تاریخ تولدهای یاد شده(غیر از سال 520 هـ.که عقیدهء میر عباس‏ باقرزاده است)باطل و نادرست می‏باشد.

نظامی در مخزن الاسرار که اولین مثنوی اوست در نعت حضرت رسول اکرم(ص) از سال پانصد و پنجاه یاد کرده و گفته است:

روز بلند است به مجلس شتاب‏ پانصد و پنجاه بس ایام خواب

پانصد و پنجاه را از رحلت خاتم النبیین حساب کرده و می‏دانیم که هجرت آنحضرت‏ یازده سال پیش از رحلت بوده است و باید یازده سال بر پانصد و پنجا افزود تا زمان سرودن مخزن الاسرار بتاریخ هجری بدست آید:

سال سرودن مخزن الاسرار 561-11+550

نظامی در همین مثنوی خود را منتظر نقد چهل سالگی خوانده و حداکثر سی و نه سال داشته است و اگر این رقم را از 561 کسر نماییم تاریخ تولد شاعر بدست‏ خواهد آمد:522-39-561

بنابراین عقیدهء میرعباس باقرزاده که سال تولد نظامی را 520 هجری دانسته‏ بحقیقت نزدیک است.با این ترتیب نظامی در زلزلهء گنجه(534 هجری)دوازده سال‏ داشته است.

در تاریخ وفات این شاعر بی‏نظیر نیز اختلاف نظر بسیار است از آنجمله:

1-دولتشاه در تذکرة الشعرا و هدایت در مجمع الفصحا سال وفات نظامی را 576 هجری دانسته‏اند.

آینده » شماره 110 (صفحه 877)

2-قزوینی در آثار البلاد(ذیل:گنجه)590 هجری.

3-حاجی خلیفه در کشف الظنون 596 و 597 هجری.

4-برتلس در دائرة المعارف اسلام و ریپکا 599 هجری(1202/3 م).

5-شبلی در شعر العجم 599 هجری.

6-در بعض نسخ آتشکده 589 هجری.

7-دکتر محمد معین و دکتر ذبیح الله صفا 614 هجری.

8-وحید دستگردی 600 تا 602 هجری.

9-و دیگر تذکره‏نویسان 576 هـ-586 هـ-596 هـ-597 هـ-602 هـ-606 هـ.

برای نزدیک شدن به سال وفات شاعر باید گفت که نظامی در اقبالنامه در مدح‏ ممدوح بیت‏هایی سروده و نشان می‏دهد که نصرة الدین ابو بکر محمد پهلوان در آرزوی‏ داشتن فرزند بوده است و بهمین منظور زنی از گرجستان اختیار می‏کند.

خدای وارث بزم کیخسروی‏ ببازوی تو پشت دولت قوی‏ نظر کن درین جام گیتی‏نمای‏ ببین آنچه خواهی ز گیتی خدای‏ خیال چنین خلوتی زادهء دهد مژدهء شه به شهزادهء بمن بر چنان در گشاد این کلید که دری ز دریایی آید پدید که تا میل زد صبح بر تخت عاج‏ چنان در نبودست در هیچ تاج‏ چو مهد آمد اول بتقریر کار اگر مهدی آید شگفتی مدار برآرای بزمی بدین خرمی‏ کمر بند چون آسمان بر زمی

(اقبالنامه چاپ شوروی ص 224

این ازدواج در سال 602 هجری‏2با دختر فرمانروای گرجستان اتفاق افتاده، نظامی در بیت‏های فوق الذکر از آمدن مهد عروس سخن رانده و این ازدواج را بفال‏ نیک گرفته،تولد فرزند را به نصرة الدین ابو بکر پیشگویی کرده و مژده داده است. مسلما شاعر تا سال 602 هجری در قید حیات بوده و درگذشت او بعد از سال 602 و احتمالا در سال 603 هجری یعنی در هشتاد و یک سالگی اتفاق افتاده است.او در قصیده‏ای از پیری شکایت کرده و بارها از خمیدگی قد سخن گفته است و این احوال‏ پیش از سن هشتاد سالگی کم اتفاق می‏افتد؛اینک چند بیت از قصیده نظامی که در شکایت از پیری سروده است نقل میگردد.

در این چمن ز پیری خمیده شد کمرم‏ ز شاخهای بقا بعد ازین چه بهره برم‏ سپهر با قد خم گشته میکند لحدم‏ بیاض موی ز کافور میدهد خبرم‏ قدم خمیده سرم سوی خاک مایل شد که در حدیقهء عصمت نهال بارورم‏ دو تا شدم که نیالایدم بخون دامن‏ که خونفشان شده چشم از تراوش جگرم‏ کمان‏صفت بدو تا گشت قامتم گویی‏ ز بیم تیر اجل رفته در پس سپرم‏ نهال چون ثمر افشاند راست گردد لیک‏ خمید نخل قدم چون فشانده شد ثمرم

(2)-الکامل ابن اثیر وقایع سال 602.